

بررسی فرهنگ بومی و عوامل مؤثر در انتقال آن به کودکان

اسحق شیرین کام*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

امروزه ادبیات داستانی به دلیل الهام گرفتن از زندگی مردم عادی و پرداختن به مشکلات، دغدغه‌ها و گرفتاری‌های این قشر از جامعه، تا حد زیادی تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ عامیانه قرار گرفته است. مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تکنیک بررسی اسناد و مدارک، کوشیده است تا سه حوزه‌ی فرهنگ عامه؛ زمینه‌های تقویت، انتقال و کودکان را مورد مطالعه قرار دهد. رابطه‌ی میان این سه حوزه با تکیه بر مباحث نظری و تحقیقات تجربی مطرح در این سه زمینه؛ به ویژه در جامعه‌ی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج و یافته‌های بررسی حاضر حاصل از آن است که ایران در پهنه‌ی جغرافیایی خود، از تمدن و فرهنگی غنی و فولکوری متنوع و متمایز برخوردار است. توانمندی فرهنگی به شکل بالقوه قادر است انگیزه‌های لازم را برای انتقال این فرهنگ به کودکان فراهم کند؛ البته از آن جا که فولکور در جوامع سنتی در حال توسعه قدرت خاصی دارد، این فرصت در مکان‌هایی به تهدید تبدیل می‌شود که لازم است برنامه‌ریزی لازم درباره‌ی آن صورت گیرد.

کلیدواژه: فرهنگ عامه، کودکان، زمینه فرهنگی، انتقال فرهنگی.

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی کرج.

e.shirinkam61@gmail.com

مقدمه

با تغییر و پیشرفت تکنولوژی و به وجود آمدن ابزارهای جدید در زندگی انسان، سطح زندگی و فرهنگ انسانی نیز دچار تغییر می‌شود و این چیزی است که ما امروزه شاهد آن هستیم و باعث می‌شود فرهنگ‌های گذشته تعدیل یا فراموش شوند؛ فرهنگ‌ها و آداب و رسوم که بسیار غنی بوده و بار معنوی زیادی داشته است. اما آن چه ضرورت دارد آن است که بررسی‌هایی را انجام دهیم و راهکارهایی را بیابیم تا از محو شدن فرهنگ بومی و محلی در عصر حاضر جلوگیری کنیم.

«فرهنگ عامه» یا «فرهنگ مردم»، یعنی مجموعه‌ای از دانش‌ها، فنون، هنرها، ادبیات، آیین‌ها، آداب و رسوم، جشن‌ها، سرگرمی‌ها، بازی‌ها و ... که به وسیله‌ی مردم به صورت شفاهی و تقلیدی در جامعه انتقال می‌یابد، و آن را از موضوعات تحقیقی دانش فولکلور می‌دانند.

شماری دیگر که تعدادشان اندک است، موضوع فولکلور و حوزه‌ی تحقیقی آن را به ادبیات شفاهی یا ادبیات عامه محدود می‌کنند. این گروه فولکلور را هنرکلامی یا هنر زبانی مردم می‌دانند و این نوع هنر شفاهی را در جامعه‌های ایلی، عشایری، روستایی و شهری بررسی و مطالعه می‌کنند (بلوک باشی، ۱۳۷۷: ۱۱).

در تعریف‌های فرهنگ عناصری مانند اعتقادات، هنرها، عادات، و سایل و کالاهای مصرفی، خصوصیات اساسی گروه‌های انسانی (اجتماعی)، راه و روش زندگی مردم، رفتار فرآورده‌های عمل بشری و دستاوردهای مادی و معنوی به کرات به چشم می‌خورد.

تا پیش از ورود فرهنگ و تمدن غرب به ایران، فرهنگ عامه مانند بسیاری از مسائل دیگر چندان قابل توجه نبود و اغلب روشنفکران و نویسندگان، آنرا به این دلیل که در بین مردم عادی جریان داشت، حقیر می‌شمردند و از پرداختن به آن دوری می‌کردند. با رواج داستان نویسی نوین، تغییر زبان و سبک نوشتار و ورود درونمایه‌های جدید به عرصه‌ی ادبیات داستانی، داستان و رمان نیز پذیرای فرهنگ عامه شد. این مسائل در کنار یکدیگر باعث شد تا پژوهشگران و نویسندگان به فرهنگ توده‌ی مردم توجه نمایند.

تاریخچه

«فولکلور» در مغرب زمین، از باستانی‌ترین و حتی داستانی‌ترین ادوار تمدن یونان و روم تا قرون جدید، الهام بخش بسیاری از نویسندگان، شاعران و نمایشنامه‌نویسان بوده است (انجوی شیرازی، 1352: 12).

محمدعلی جمالزاده (1270-1374 ه.ش)، نخستین نویسنده ایرانی است که نسبت به کاربرد فرهنگ بومی و عامه در داستان علاقه نشان داد؛ اما او فرهنگ بومی را به گویش‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های محلی منحصر کرد، تا جایی که آثار وی گنجینه‌ای از تعبیر و اصطلاحات عامیانه محسوب می‌شود. بعد از جمالزاده، یکی از نویسندگان که با جدیت و دقت بسیار هم از نظر معنا و هم از نظر مفهوم به فرهنگ عامه توجه نشان داد، صادق هدایت (1281-1330 ه.ش) بود. وی معتقد بود فرهنگ عامه نزد مللی یافت

می‌شود که دارای دو قشر تحصیل کرده و روشنفکر با توییت عالی و قشر بی‌سواد و عامی هستند. این دو قشر با تعامل و زندگی در کنار یکدیگر، فرهنگ عامه را تقویت می‌کنند و به آن شکل می‌دهند (شاملوجانی بیگ، 1391: 35).

از قدیم الایام توجه به آداب و رسوم عامه، زبان گفتار آن‌ها و نکات جالب توجه و شنیدنی، یکی از سرگرمی‌ها و موضوعات مورد نظر نویسندگان بوده است. معمولاً مردم شناسان، هرودوت مورخ یونانی را نخستین فردی می‌شناسند که در کتاب «تاریخ» خود درباره‌ی آداب و رسوم ملت‌ها مطالبی نوشته است. در قرون وسطی مورخان، سیاحان و جغرافیدانان در کتاب‌های خود به مسائل فرهنگ عامه توجه داشتند و برخی واژه‌ها، آداب و رسوم‌ها و آئین‌های مردم را ثبت و ضبط می‌کردند. در بین مسلمانان نیز عده‌ی زیادی از نویسندگان به برخی از مسائل و موضوع‌های فرهنگ عامه پرداخته‌اند و برخی از آن‌ها مانند ابوریحان بیرونی و ابن خلدون مطابق روش‌ها و اصول خاصی که از نظر علم مردم‌شناسی امروزی هم معتبر است، درباره‌ی این امور بررسی و تحلیل نموده‌اند.

هم‌چنین ابوالحسن علی بن حسین مسعودی در قرن چهارم هجری در اثر خود با عنوان «مروج الذهب و معادن الجواهر»، به کتابی از «ابو عقاب دبیر» اشاره می‌کند که این کتاب به فرهنگ عامه اختصاص داشته است.

بنابراین، می‌توان پذیرفت که جمع‌آوری موضوعات فولکلوریک به دوره‌هایی دورتر از آنچه تاکنون نوشته‌اند مربوط است. در طی قرن هفدهم، در اروپا حرکت مهمی برای ثبت مسائل فرهنگ عامه به وجود آمد. بالارد فرانسوی (1711 م.)، مجموعه‌ای از ترانه‌ها و عادات شفاهی مردم را جمع‌آوری نمود. گوتفرد هررد (1744_1803) شاعر، منتقد و فیلسوف آلمانی، تحقیقات فولکلوریک خود را در آلمان توسعه داد. هررد معتقد بود که شعر صرفاً از طریق توجه به بافت و زمینه‌ی جغرافیایی و قومی و فرهنگی آن قابل درک است و اشعار عامیانه نه تنها زاده‌ی فرایندهای عقلی، بلکه نتیجه‌ی الهامات عارفانه و عواطف شدید هستند. وی عقیده‌ی متداول آن روزگار که ادبیات یونان را معیار سنجش ادبیات دیگر اقوام می‌دانست، رد کرد و بیش از هر چیز به ادبیات قومی، از آن جهت که تجلی بخش روح ملی بود تأکید نمود. به تبعیت از هررد، محققان کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری بر آن شدند تا روح ملی خویش را در گویش‌های بومی، قصه‌های عامیانه و ترانه‌ها و سرودهایی که به زبان‌های محلی گفته و نوشته شده بود، باز یابند.

در ایران به گفته‌ی ابوالقاسم انجوی شیرازی، اولین فردی که مسائل فولکلوریک را گردآوری و تالیف کرد؛ آقای جمال خوانساری است. وی تحقیقاتش را در کتابی به نام «عقاید النساء» گردآوری کرد. عقاید النساء توجه مردم را جلب کرد و عامه آن را به اسم کلثوم ننه می‌شناسند. این کتاب نثری شیوا و آمیخته به طنز دارد و برخی آداب و معتقدات زنان دوره‌ی صفویه در آن نوشته شده است (مارزولف، 1371: 89).

یکی از مهم‌ترین منابع فولکلوریک ایران، سفرنامه‌هایی است که مستشرقان و سیاحان اروپایی و غیراروپایی درباره‌ی ایرانیان نوشته‌اند. سفرنامه‌های تاورنیه، شاردن، مادام دیولافولا، اوژن فلاندن، کلاویخو و کتاب‌های تاریخ‌کیانیان اثر کریس تین سن دانمارکی، سه سال در دربار ایران اثر فوریه، و ده‌ها اثر دیگر از جمله این بررسی‌ها می‌توان ذکر نمود.

برخی از محققان غربی به تحقیق و تفحص علمی و دقیق در فرهنگ عامه ایران پرداخته و آثار ارزشمندی عرضه کرده‌اند؛ برای مثال، ماسکوویچ در (1934 م.) مجموعه‌ای از افسانه‌های عامیانه‌ی ایرانی را بررسی نموده است.

در ابتدای قرن حاضر بین سال‌های 1300 و 1340، عده‌ای از محققان ایرانی به گردآوری موضوعات فرهنگ عامه پرداختند؛ به عنوان مثال، امیرقلی امینی دو کتاب تحت عنوان «هزار و یک سخن» در امثال و حکم و «فرهنگ عوام» در زمینه‌ی

ادبیات عامیانه تألیف نمود. فضل الله صبحی مهتدی، به گردآوری قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه‌ی مناسبت با کودکان و نوجوانان پرداخت و چند اثر در این زمینه تدوین کرد. محمد علی جمالزاده، صادق هدایت، محمد مکرری، حسین کوهی کرمانی، محمد پروین گنابادی، محمد بهمن بیگی، محمود دانشور، صادق کیا، محمد جعفر محجوب، یحیی ذکاء، علی بلوکباشی، صادق همایونی، جلال آل احمد، احمد هاشم پور کریم و عده‌ی زیاد دیگری تاکنون در زمینه‌ی ادبیات عامیانه و فرهنگ عامه کتاب‌هایی منتشر کرده‌اند.

فعالیت در زمینه‌ی فرهنگ عامه در ایران چنان گسترش یافت که اکنون بیش از صدها کتاب و مقاله در این مورد نوشته شده است. عمده آثار و تحقیقات انجام شده در این زمینه در دو کتاب به نام «کتاب‌شناسی فرهنگ عامه و مردم‌شناسی ایران» تألیف محمود زمانی و علی بلوکباشی و «فهرست مقالات مردم‌شناسی» گردآوری شده و در مؤسسه‌ی مطالعات و پی‌نوشت‌های اجتماعی دانشگاه تهران درج گردیده است.

روش مطالعه

با توجه به نوع موضوع مورد مطالعه، تحقیق حاضر با اتکای به روش کتابخانه‌ای و تکنیک بررسی اسناد و مدارک انجام شده است. برای این منظور سه حوزه‌ی فرهنگ، فرهنگ عامه و کودکان به شکل دقیق‌تری به بحث گذاشته شده و ارتباط بین این سه حوزه در جامعه‌ی ایران مورد تفحص قرار گرفته است.

فرهنگ و رابطه آن با فولکلور

کمتر مفهومی به اندازه‌ی فرهنگ در حوزه‌ی علوم اجتماعی در معرض تفسیرها و تعبیرهای گوناگون بوده است؛ از این رو، می‌توان گفت که مفهوم فرهنگ تنها دشواری‌های زیاد به بار آورده است، بلکه به سبب تنوع و وسعت معنا، ایجاد وحدت نظر به سرگستره‌ی موضوعی آن میسر نشده است. کاربردهایی چون فرهنگ سیاسی، فرهنگ کار، فرهنگ شهری یا چیزهایی از این دست، کار را به جایی رسانده است که دیگر کسی نفی داند فرهنگ به چه معناست. مطالعه در باب فرهنگ نه به اندازه‌ی قدمت آن ولی بیش از آنچه که تصور می‌شود ریشه دار است (سازگار، 1377: 93).

فولکلور از Lore and Folk که در انگلیسی به ترتیب «مردم»، «دانش» و «دانستن» را می‌رساند، گرفته شده است و آن دسته از اموری که هرکس به آسانی آن را احساس می‌کند؛ و در لغت به معنی دانش عوام به کار می‌رود. این اصطلاح در زبان فارسی به «فرهنگ توده»^۱، «فرهنگ عامه»، «فرهنگ مردم» و «ادبیات عامیانه» ترجمه شده است (روح الامینی، 1382: 81)؛ و مشتمل بر ارزش‌ها، باورها، رفتارها، آرزوها و امیدهای یک ملت و مجموعه‌ای عظیم از تجارب و تفکرات پیشینیان است که طی قرون متمادی صیقل یافته و به عنوان پشتوانه‌ای گرانقدر و سرمایه‌ای فرهنگی خود را نشان می‌دهد. فرهنگ عامه در عین حال که قسمت اعظم رفتارها و محتویات ذهنی جامعه را تشکیل می‌دهد، بیانگر نیازها و تمایلات عمیق جامعه و تسکینی است بر آلام و ناملایماتی که خواه ناخواه در اعماق هر جامعه نهفته است. بدون بهره‌گیری از فرهنگ عامه بسیاری از جوامع قادر به ادامه نیستند. اگر فولکلور را میراثی فرض کنیم، گفت سودمندی فرهنگ، غنی کردن میراث فرهنگی از طریق خلاقان آن می‌باشد (کازنو، 1373: 240).

¹Mass culture

آموزش و انتقال فرهنگ عامه در دوران کودکی

دوران کودکی یکی از مهمترین دوران زندگی است؛ به گونه ای که اگر کودکی در این مقطع به طرز صحیح پرورش نیابد، احتمال موفقیت آمیز بودن آموزش در سنین بالاتر بسیار ضعیف خواهد بود.

اکنون دغدغه ی دولت در کشورهای توسعه یافته این است که چگونه می توان به سال های اولیه ی کودکی و آموزش های پیش دبستانی و انتقال مفاهیم فرهنگ عامه - که بخشی از هویت ملت هاست معنا بخشید؛ از این روزه مدارس پیش دبستانی و رشد کودکان در این مقطع توجه زیادی می شود. باید به این نکته توجه داشت قبل از آنکه کودکان تحصیلات رسمی خود را شروع کنند، نابرابری های زیادی در رشد آن ها وجود دارد. برنامه هایی که در سال های اولیه ی تولد و به منظور رشد کودکان در نظر گرفته می شود، به افزایش هر چه بیشتر توانایی های کودکان منجر خواهد شد و منافع بلندمدت زیادی را در بر خواهد داشت.

امروزه تمامی صاحبان فرهنگ، هزینه های گزافی صرف می کنند تا فرهنگ خود را از طرق مختلف بر دیگر فرهنگ ها مسلط نمایند و این خطری است که فرهنگ ها را تهدید می کند. پس وظیفه ی نسل های آینده آن است که دستاوردهای فرهنگی پیشینیان خود را حفظ کنند و به نسل های آینده ی خود برسانند، اولین گامی که باید به جد در این راه برداشته شود، جلوگیری از رسوخ فرهنگ بیگانه در فرهنگ بومی و محلی هر منطقه است. این امر را باید از طریق آموزش و به کارگیری روش های سازنده و مفید پی جویی نمود.

در جریان تحولات اخیر، در زمینه ی درک نقش انسان در روند فرهنگ و تاریخ، جنبه ی انسانی، فرهنگی و زیستی، فرهنگ مردمی بیشتر قابل توجه قرار می گیرد. تصویر منحصر به فرد دنیا که در فرهنگ هر قوم و ملتی وجود دارد، از ارزش فزاینده ای برخوردار می شود. برداشت از فرهنگ سنتی به عنوان سیستم جامع پدیده ها و روندهای مختلف، باعث تعیین جایگاه دقیق میراث مردمی در اوضاع معاصر اجتماعی و فرهنگی می شود. بدیهی است که یک محتوای واحد می تواند با استفاده از شیوه های گوناگون تعبیر شود که همین اندیشه در پژوهش های فرهنگ مردمی مورد تأکید فزاینده ای قرار می گیرد. این اندیشه ها، از طریق هنرهای ملی اساس آشنا ساختن کودکان با فرهنگ سنتی مردمی است.

با عنایت به امکانات بی نظیر فولکلور در زمینه ی «تدریس فرهنگ» (یوری لوتمان) این موضوع به خصوص در تربیت پیش از دبستان اهمیت دارد؛ زیرا جهان بینی فولکلوری و جهان بینی کودکانه با هم ارتباط ناگسستنی دارند. قبل از دبستان، هر ملاقات با آثار فرهنگ مردمی برای یک کودک؛ به معنی عملی کردن نیاز درونی «جستجوی شادی والا» است. خود فرهنگ مردمی که مدل منسجم جهان و سیستم کامل برداشت های معنوی و اخلاقی، معیشتی و کاربردی است، در برابر کودکان نه تنها به عنوان مجموعه ای از آثار منفرد، بلکه یک نوع جامع جهان بینی و برخورد با زندگی جلوه می کند. در این زمینه مفهوم «سنت» به عنوان تجربه ی جمعی نسل ها و اساس تربیت در گذشته و حال، از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. ماهیت سنت مردمی، به وسیله ی وحدت سه جنبه ی ذیل تعیین می شود:

- محتوایی: مجموعه متون (به تعبیر وسیع کلمه) و شرایط مکانی و زمانی فرهنگ ملی؛

- ابزاری: مکانیزم فعالیت فرهنگ، حفظ و انتقال تجربه ی فرهنگ مردمی؛

- فرایندی: سیستم بلندمدت ارزشی که ارتباط بین نسل ها و باز تولید فرهنگ ملی را تأمین می کند.

بنابراین سنت محتوا، شیوه و هدف فعالیت عناصر فرهنگ مردمی را تعیین می‌کند. فرهنگ سنتی مردمی، یک سیستم جامع اجتماعی و تربیتی است.

فولکلور به صورت مجموعه‌ای از انواع لفظی، موزیکال، رقص، بازی، نمایش و فعل‌الیت‌های هنری دیگر تعریف می‌شود و در پژوهش‌های علمی از آن به عنوان «زبان خاص» فرهنگ مردمی تعبیر می‌شود.

در فولکلور شعر، موسیقی، رقص و نمایش از هم جدا نمی‌شوند. این نوع هنر حالت سنتی دارد؛ یعنی تمرکز شیوه‌های مردمی انعکاس هنری واقعیت است. فولکلور با وجود سنتی بودن، می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد که البته اساس کیفی تعیین‌کننده، آن را تغییر نمی‌دهد. این نوع هنر از زندگی انسان جدایی‌ناپذیر است (نیک‌گهر، 1371: 89).

همین ویژگی‌های فرهنگ مردمی، اساس برنامه‌ی جامع‌آشنایی کودکان را با این فرهنگ تشکیل می‌دهد. برای کودکان جلسات خاص آموزش شعر و موسیقی برگزار می‌شود. جشن‌های مردمی سنتی برگزار می‌شود که چگونگی برگزاری آن‌ها باید با سنت‌های ملی کاملاً سازگار باشد. همچنین از انواع اوقات فراغتی که با خانواده‌گذرانده، استفاده می‌شود که از جمله آنها می‌توان به ملاقات‌ها برای بازی، نوشیدن چای، گفتگوهای همسایگی و غیره اشاره کرد.

روش‌آشنایی کودکان با فرهنگ سنتی ملی در برگزیده‌ی نکات ذیل است:

- رعایت ترتیب آموزش جنبه‌های مختلف فولکلور؛

- یادگیری انعطاف‌پذیر ترانه‌ها؛ یعنی حفظ قسمت‌های پی در پی ترانه و اجرای آن همراه با معلم؛

- ایجاد تغییرات مستمر در روند آموزش، از جمله استفاده از عناصر بازی؛

- استفاده از نوارهای ویدئو؛

- بازی کودکان به منظور یادگیری عناصر هنر سنتی از یکدیگر.

برای جلسات درس فرهنگ مردمی دکور خاص اطاق درس انتخاب می‌شود که در آن عناصر معیشت سنتی، اسباب بازی‌های اصیل قدیمی و تزئینات دیگر به کار گرفته می‌شوند. شرکت والدین در این درس‌ها، کارآیی فعالیت آموزشی را بیشتر می‌سازد.

از نظر محتوایی، این برنامه‌ی آموزشی دربرگیرنده‌ی سنت‌های مردمی تقویمی، سنت‌های مردمی خانوادگی، میراث معنوی و تاریخی، ترانه‌های کودکان و فولکلور منطقه است. کودکان ضمن یادگیری فرهنگ مردمی، نوع خاص این فرهنگ را احساس می‌کنند. استفاده از آثار مختلف فرهنگ مردمی به عنوان الگو، به کودک اجازه می‌دهد مشخصات کلیدی این نوع هنر را درک کند و از آن به عنوان معیار سنجش آثار هنری استفاده نماید.

در همه‌ی برنامه‌های آموزشی، اصل تدریس تدریجی رعایت می‌شود؛ به گونه‌ای که ابتدا ساده‌ترین عناصر آوازخوانی یا رقص تدریس می‌شوند سپس نوبت به عناصر پیچیده‌تر می‌رسد؛ به عنوان مثال، آلات موسیقی که انواع نی‌های مردمی هستند، مهارت خاص انگشتان کودک را ایجاد نمی‌کنند، ولی امکان تربیت حس ریتم موزیکال را به کودک می‌دهند. بعد از آن سازهای دشوارتری به کار گرفته می‌شوند که به آموزش بیشتری احتیاج دارند.

در نتیجه، به طور کلی فرهنگ مردمی باید به عنوان وسیله‌ی مهم‌آشنایی کودکان با فرهنگ تلقی شود. آثار فرهنگ مردمی باید به صورت جامع به عنوان مجموعه‌ای از ترانه، رقص، اجرای آهنگ به وسیله‌ی آلات موسیقی و نمایش تئاتر تدریس شوند. همه‌ی آثار فولکلور که در روند آموزش به کار گرفته می‌شوند، باید اصیل و دارای مشخصات قومی و منطقه‌ای باشند. به علاوه، باید ویژگی‌های سنی کودکان را در نظر داشت و جو خلاقیت هنری مشت‌رک کودکان و بزرگسالان را ایجاد کرد (موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، 1387).

البته مهم ترین گام در این راه شناختن کامل فرهنگ بومی و محلی توسط افراد جامعه است ؛ اما این آشنا سازی نیاز به فرآیندها و راهکارهایی دارد که برخی از این راهکارها در ادامه خواهد آمد.

ترویج صنایع دستی

هنرهای صناعی حوزه ی مهم تلفیق هنر، صنعت و فرهنگ است که در بستر تاریخ به عنوان بهترین پاسدار و حافظ فرهنگ ها بوده است؛ لذا صنایع دستی همواره دلیلی روشن و متقن از میراث فرهنگی سابقه دار، در هر مرز و بوم است.

نقش صدا و سیمای استان در ترویج و تقویت فرهنگ بومی

در خصوص نقش صدا و سیمای استانی در ترویج و تقویت فرهنگ بومی ، بحث های تخصصی در حوزه های مختلف مطرح می شود. رسالت صدا و سیما در این راه بسیار مهم و امری اجتناب ناپذیر است . صدا و سیما با پخش فیلم های مختلف از تاریخ فرهنگ بومی محلی و فیلم هایی که در آن آداب و رسوم و لباس های محلی استفاده می شود، می تواند در تقویت فرهنگ بومی بسیار مؤثر عمل کند . خصوصاً در زمینه ی پوشش محلی و گویش محلی این رسالت را به خوبی می تواند بر عهده بگیرد؛ پخش مسابقات محلی در برنامه های صدا و سیما، استفاده ی بیشتر مجریان از گویش محلی و لباس های سنتی در این برنامه ها نمونه ای از این امر می باشد.

رواج لباس های محلی

با عرضه لباس های محلی در بازارهای شهرستان ، می توانیم حق انتخاب چنین لباس هایی را برای مردم به وجود بیاوریم، و با تبلیغ سازنده در این خصوص و بیان مزایای استفاده از آن و بهره گیری از چنین لباس هایی در موارد مختلف، می توان به ریشه دار شدن فرهنگ بومی در میان نسل جدید امیدوار بود . خصوصاً بهره گیری از چنین لباس هایی در مراسم جشن اعیاد و ازدواج می - تواند تأثیر گذارتر باشد.

مطبوعات محلی و تقویت فرهنگ بومی

مطبوعات محلی علاوه بر اطلاع رسانی و شفاف سازی که یکی از رسالت های اساسی آنهاست، باید برای تقویت فرهنگ بومی و ایجاد وحدت میان قومیت های مختلف نیز بکوشند. انعکاس اتفاقات محلی در این نوع از مطبوعات، به هویت محلی و انسجام و وحدت در جوامع ملی منجر می شود . در حقیقت، بازیابی و احیای هویت محلی و توسعه ی نهادهای مدنی در جوامع محلی ، باید به عنوان یک کارکرد مهم توسط مطبوعات محلی قابل توجه قرار گیرد.

برگزاری جشن ها و مراسم امروزی به سبک سنتی

جشن های مختلفی که در شهرستان ما به طرق مختلف و به مناسبت های گوناگون برگزار می شود، را می توان با فرهنگ و آداب سنتی قدیم بر پا نمود ؛ مثلاً امروزه جشن ها را در تالارها و هتل ها برگزار می کنند، در حالی که با برگزاری چنین جشن هایی خصوصاً جشن ازدواج در خانه های قدیمی و سبک و سیاق سنتی ، می توانیم تاریخ فرهنگ گذشته را در قالب جشنی به مردم و نسل جدید و نوآموز خود معرفی کنیم، همچنین از خطر فراموش شدن آن جشن ها و مراسم جلوگیری کنیم.

آشنا کردن دانش آموزان با فرهنگ بومی و هنرهای دستی محلی و غذاهای سنتی

برگزاری بازدیدهای مکرر از هنرهای دستی بومی هر منطقه و تشویق دانش آموزان در یادگیری و خلقچنان آثاری توسط آنان به عنوان کلو عملی در مدارس، می‌تواند یکی دیگر از راهکارهای تقویت فرهنگ بومی استان باشد. همچنین با برگزاری دوره‌های آموزشی غذاهای محلی در مدارس یا در مراکز فرهنگخانه ها و دعوت از عموم بانوان علاقمند به غذاهای سنتی، گام‌های بسیار مؤثر و ارزشمندی در تقویت فرهنگ بومی می‌توان برداشت. همچنین با برگزاری مسابقات فرهنگی تحت عنوان بهترین غذای محلی سال استان، می‌توان انگیزه و رویکرد مردم را به سمت غذاهای محلی تقویت نمود، و آموزش غذاهای محلی مختلف از طریق صدا و سیما هم می‌تواند مؤثر واقع گردد.

کتاب‌ها و تحریرها در خصوص فرهنگ بومی

وجود کتاب‌ها و تحریرهای مختلف در خصوص فرهنگ بومی، در کنار سایر کتب درسی تأثیر گذاری عمیق تری خواهد داشت؛ این تأثیر گذاری به سبب خاصیت مکتوب بودن آن کتاب‌ها است. هم چنین فیلم‌های مستند و تاریخی یا فیلم‌هایی که بر اساس آداب و رسوم با گویشی محلی تهیه می‌شوند چون با قوی ترین حس انسان، یعنی بینایی در تماس اند به راحتی می‌توانند بیش از راه‌های دیگر تأثیرگذار باشند. در کنار آن‌ها استفاده از بازی‌های محلی به جای بازی‌های جدیدی که در منازل و مدارس مرسوم شده است، می‌تواند در تقویت فرهنگ بومی و محلی راهگشای خوبی باشد. اما در این راه نمی‌توان از نقش والدین و مربیان غافل ماند. باید این زاویه را برای خانواده‌هایی که با پیشرفت تکنولوژی، فراموشی فرهنگ بومی را پذیرفته‌اند، روشن نمود بکه فرهنگ بومی و قدیمی جزئی از زندگی و جزئی از پیکره‌ی وجود ماست و فراموشی آنان؛ یعنی فراموشی خودمان و بی‌هویتی در جامعه و دنیای کنونی که عواقب خطرناکی را به همراه خواهد داشت و آن همانا مرگ هویت انسانی است؛ زیرا تکنولوژی‌های نوین هرگز نتوانسته‌اند و نمی‌توانند به ما هویت انسانی ببخشند و هر آن چه آنان جلو می‌روند ما را از خودشناسی دور می‌سازند.

۱۱۶ میراث فرهنگی و راه اندازی موزه‌ها

میراث فرهنگی از هویت و نگاه مردم جامعه ای به یک پدیده حکایت می‌کند؛ طرز و کیفیت زندگی، آداب و رسوم، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و بالاخره فرهنگ هر جامعه‌ای در میراث فرهنگی آن جامعه نهفته است. حال این میراث که نشان هویت جامعه است در فرآیند گذار، دستخوش تحولات می‌شود و در این راستا مهم ترین مساله حفظ و حراست از میراث فرهنگی و اشاعه آن به نسل بعد است. در این راه سترگ بی شک وجود موزه به عنوان یک نهاد فرهنگی در جامعه بسیار ضروری است. فرهنگ هر جامعه یک مفهوم کلی است و تمامی ارزش‌ها و یافته‌های معنوی مردمان آن جامعه را در بر می‌گیرد. پس فرهنگ، میراث هر قومی است که از پیشینیان گرفته شده و در آن تغییراتی داده و به نسل‌های بعد انتقال یافته است.

توسعه گردشگری

گردشگری در سال‌های اخیر سبب ایجاد عواملی هم چون شهر نشینی، علاقمندی به میراث طبیعی، فرهنگی و تاریخی، نگرانی‌های محیط زیست، شیوه‌ی سالم زندگی شهری و امتناع از فرهنگ مصرف گرایی شده و توسعه یافته است.

نتیجه گیری

امروزه فولکلور به دلیل الهام گرفتن از زندگی مردم عادی و پرداختن به مشکلات، دغدغه‌ها و گرفتاری‌های این قشر از جامعه، تا حد زیادی تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ عامیانه قرار گرفته است. فرهنگ مردمی به طور کلی باید به عنوان وسیله‌ی مهم آشنایی کودکان با فرهنگ تلقی شود. آثار فرهنگ مردمی باید به صورت جامع، به عنوان مجموعه‌ای از ترانه، رقص، اجرای آهنگ به وسیله‌ی آلات موسیقی و نمایش تئاتر تدریس شود. همه‌ی آثار فولکلور که در روند آموزش به کار گرفته می‌شوند، باید اصیل و دارای مشخصات قومی و منطقه‌ای باشند. به علاوه، باید ویژگی‌های سنی کودکان را در نظر داشت و جو خلاقیت هنری مشترک

کودکان و بزرگسالان را ایجاد کرد. پس فرهنگ، میراث هر قومی است که از پیشینیان گرفته شده و در آن تغییراتی داده شده و به نسل‌های بعد انتقال یافته است.

منابع و مآخذ

- آریان پور، امیر حسین (1354)، *جامعه‌شناسی هنر*، چاپ اول، تهران: دانشکده هنرهای زیبا.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (1371)، *گذری و نظری در فرهنگ مردم*، چاپ اول، تهران: نجوا.
- _____ (1352)، *تمثیلومثل*، تهران: امیر کبیر.
- بلوکباشی، علی (1377)، *نقد و نظر (معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم‌شناسی)*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیرو، آلن (1366)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران: کیهان.
- پراپ، ولادیمیر (1371)، *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*، مترجم فریدون بدره‌ای، چاپ اول، تهران: توسن.
- پواریه، ژان (1370)، *تاریخ مردم‌شناسی*، مترجم پرویز امینی، چاپ اول، تهران: خردمند.
- روح الامینی، محمود (1368)، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: عطار.
- _____ (1368)، *مبانی انسان‌شناسی*، چاپ سوم، تهران: عطار.
- سازگارا، پروین (1377)، *نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ*، تهران: امیرکبیر.
- طیب عثمان، محمد (1371)، *راهنمای گردآوری سنت‌های شفاهی*، ترجمه عطاءالدوله رهبر، چاپ اول، تهران: آناهیتا.
- کازنو، ژان (1373)، *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: اطلاعات.
- مارزولف، اولریش (1371)، *طبقه بندی قصه‌های ایرانی*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ اول، تهران: سروش.
- مندراس، هانری (1369)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- نیک گهر، عبدالحسین (1371)، *مبانی جامعه‌شناسی*، چاپ سوم، تهران: رایزن.
- هدایت، صادق (1378)، *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، تهران: چشمه.

فهرست مقالات فارسی

رادین، ماکس، سنت، مترجم فریدون بدره‌ای، *مجله فرهنگ و زندگی*، 1350، شماره 4 و 5. شاملو جانی بیگ، اکبر، *بررسی بازتاب فرهنگ عامیانه (فولکلور) در داستان‌های جلال آل احمد*، فصلنامه تخصصی ادبیات داستانی، سال اول، زمستان 1391، شماره 2.

محبوب، محمد جعفر، *مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی*، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، سال 1341، شماره 1 و

2.

موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، *آشنایی کودکان با فرهنگ سنتی مردمی*، نشریه فرهنگ سنتی، سال 1387، شماره 3.

<http://www.farhangshenasi.ir/persian/node/614>

Examining the Native Culture and the Effective Factors in Its Transfer to

Abstract

Since nowadays fiction is inspired by the life of ordinary people and it addresses the problems, concerns and struggles of this class of the society, it is largely under the influence of the folk culture. Using the library method and the document analysis, the present study attempts to investigate three areas of folk culture: strengthening the culture, transferring the culture, and the children. The relationship among these three issues is examined based on the prominent theoretical discussions and the empirical research in these three areas, particularly in Iran. The results of this study show that Iran has a rich cultural civilization consisting of various and distinctive folklores in the vast geographical zones and this cultural ability has the potential to create necessary motivation for their transfer to children. However, since folklore has a special power in traditional developing societies, sometimes this opportunity turns into a threat that needs planning.

Key words

Folk culture, Children, Cultural Background, Cultural